

## امام جعفر صادق، و دانش او

شیعیان معمولاً به امام صادق بسیار میبالند و میگویند فردی دانشمند و فرزانه و دانا بوده است و چهار هزار شاگرد داشته است و افراد بسیاری را علم آموخته است، این نوشتار قصد دارد میزان علم امام صادق را بررسی کند.

بگذارید اینگونه آغاز کنم که معمولاً از دانشمندان و یا متفکران کتاب هایی باقی مانده است، بعنوان مثال از افلاطون و ارسطو، که حداقل هزار سال قبل از امام صادق میزیسته اند کتابهای فراوانی باقی مانده است که اوج افکار آنها را، هرچند امروزه اکثراً افکاری منسوخ هستند چه در زمینه فلسفه، و چه در زمینه های مختلف علمی به خوبی نشان میدهند. و اصولاً اگر نوشته و کتابی از کسی باقی نمانده باشد به سختی میتوان از میزان دانش وی آگاه شد. حال آیا این امام شیعه دانشمند از خود کتابی باقی گذاشته است تا ما از دانش او بهره بگیریم و از خرد و فرزانهگی اش لذت ببریم؟

امام صادق هیچ کتابی را به رشته نگارش در نیاورده است، البته چند کتاب همچون مصباح الشریعه و کتاب خصال موجود است که علمای شیعه از فرط کثرت یاهه گوییهایی که در این کتابها شده است، نسب آنها به امام صادق مجعول میدانند. به همین دلیل واقعا مشخص نیست که مسلمانان چگونه از چنین شخص مجهولی که حتی کتابی از او باقی نمانده است دانشمند و فاضل میسازند.

حال از کتاب و نوشتارها نیز که بگذریم، معمولاً از دانشمندان و متفکران تنوری و اندیشه ای باقی میماند. یک دانشمند وقتی دانشمند است که نظریه ها و فرضیه های دیگر دانشمندان را رد کرده باشد و نظریه جدیدی را تولید کرده باشد. متفکری را میتوان فیلسوف دانست که ابتکاری در فلسفه داشته باشد، و الا کسی که با فلسفه دیگران آشنا باشد و فکری از خود نداشته باشد را به سختی میتوان فیلسوف نامید. مثلاً از فیثاغورس امروز تنوری باقیمانده است، از نیوتون نیز همینطور، آیا از امام صادق هم تنوری ای باقیمانده است که امروزه جامعه علمی دنیا آنها را نام تنوری امام صادق بشناسد؟! آیا امام صادق پیشگام در هیچ زمینه علمی بوده است؟! متأسفانه پاسخ تمام این سؤالات منفی است. جامعه علمی جهان به امام صادق حتی به اندازه متفکران بزرگ اسلامی همچون پور سینا و ابن خلدون و غزالی نیز اهمیت نمیدهد. شخصی که نه کتابی از خود دارد نه تنوری یا حتی فرضیه ای از او بجای مانده است را به راستی چگونه میتوان علامه دهر و دانای تمامی علوم و فنون دانست؟

بسیار گفته میشود که حضرت امام صادق با یک سخن زیان خدانا باورانی را در زمان خود بسته است و آنها را کیش و مات کرده است. این سخن امام صادق، این نابغه بزرگ این بوده است که، اگر خدایی وجود نداشته باشد ما ضرری نکرده ایم، ولی اما اگر وجود داشته باشد ما سود کرده ایم و شما بسیار ضرر کرده اید. البته بلازی پاسکال چندین سال بعد این قضیه را بصورت بسیار کاملتر و دقیقتر و با زبان ریاضی بیان کرد که به شرطبندی پاسکال شهرت یافت و توسط منتقدین مختلف اشتباه بودن آن ثابت شد. برای اطلاعات بیشتر در مورد شرطبندی پاسکال نوشتاری با فرنام **اگر آخرتی باشد شما ضرر کرده اید ما ضرر نکرده ایم اگر نباشد باز هم ما ضرر نکرده ایم** را مطالعه کنید تا دریابید حتی این ادعای امام صادق نیز واقعا ارزشی ندارد.

گویا جابرین حیان کوفی صوفی یکی از این شاگردان امام صادق بوده است. مسلمانان به دروغ وی را شیمی دان خطاب میکنند درحالی که وی کیمیاگر بوده است و نام معروف ترین کتاب وی کتاب الکیمیا است. کیمیاگری پیش از پیدایش شیمی بصورت یک شاخه خرافی وجود داشت. کیمیاگران تلاش میکردند با یافتن اکسیر، ماده ای که فلزات را به طلا و سیم و نقره تبدیل میکند به ثروت هنگفتی دست یابند. این افراد تمامی موادی را که پیدا میکردند آزمایش میکردند و تلاش میکردند طلا تولید کنند. از پشم و تخم و پر و فضله حیوانات گرفته تا هر آنچه بدان دست می یافتند همه را آزمایش، تخمیر و تصعید و تبخیر و ذوب و سایش و مالش میکردند تا بدانند آیا میتواند ویژگی اکسیر را داشته باشد یا نه. جابرین حیان یکی از پایه گذاران این صنعت خرافی و جاهلانه است و حدود هفتاد رساله در این زمینه نوشته است، شهرت جابر ابن حیان در این زمینه تا جایی است که حتی علم کیمیاگری را، "علم جابر" نیز خطاب میکنند.

کیمیاگری با بوجود آمدن شیمی و پیشرفت و توسعه آن کم کم منسوخ شد. معلوم نیست چرا امام صادق به این شاگرد خود شیمی نیاموخته است؟ آیا امام صادق هم بدنبال کیمیاگری بوده است؟ چرا شاگرد امام صادق باید بدنبال چنین صنعت خرافی و باطلی بود؟ آیا امام صادق از شیمی ناآگاه بوده است که به جابر نیاموخته است؟ البته معلوم است، چون از علم لدنی و آن علمی که مسلمانان لاف آنها میزدند خبری نبوده است و این سخنان همچون اکثر سایر ادعاهای اسلامگرایان کشکی و

مبتنی بر خرافه و بت پرستی شیعیان است. احتمالاً جابر بن حیان نزد امام صادق درس شکیات نماز و یا نحوه طهارت پس از تخی و احکام حیض و بول را آموخته است، زیرا از امام صادق و امثالهم بیش از این بر نمی آید و ایشان را اساساً کاری با علم نبوده است. علم امامان شیعه همانند همان چیزی است که آخوند ها و روحانیون امروز به آن علم میگویند. یعنی همان فقه و اصول، همان علمی که در کنار سایر علتهای در به فساد کشیدن اجتماع و تخریب فرهنگ و مدنیت و آزادی و مردمسالاری نقش مستقیم داشته و دارند. از حرفهایی که از امام صادق باقیمانده است که به تعدادی از آنها خواهیم پرداخت بر می آید که ایشان حتی از شاگرد خود جابر بن حیان نیز بسیار اطلاعات کمتر و غلط تری در مورد جهان دارند. البته خود جابر بن حیان نیز چندان کار پر اهمیتی در زمینه شیمی نکرده است ولی مسلمانان وی را پدر شیمی جهان (!) خطاب میکنند، در حالی که شیمی دانان معمولاً لاوازیه و رابرت بویل را شایسته این عنوان میدانند.

از این رو است که در مجامع علمی و دانشنامه های جهانی ابداً اسمی از امام صادق بعنوان یک فرد دانشمند و حتی فیلسوف نام برده نشده است. نام جابر بن حیان در بسیاری از دانشنامه ها آمده است، اما خبری از نام امام صادق نیست، زیرا ایشان در حد و اندازه یک دانشمند و یا حتی اندیشمند نیستند.

از شاگردان معروف دیگر امام صادق ابوحنیفه است. این نکته بسیار جالب و افشا کننده است که شاگردان امام صادق سرانجام سنی از آب در آمدند و حتی موسس فرقه های اهل تسنن شده اند. از جمله نعمان بن ثابت بن زوطی بن مرزبان، امام اعظم اهل تسنن که بعدها به ابوحنیفه معروف شد. براسستی چگونه ممکن است شاگرد امام صادق که دو سال در مکتب ایشان درس خوانده است سنی شود و حتی بعنوان موسس یک مکتب فکری مخالف شیعه شناخته شود و کتاب الفقه الاکبر را تالیف کند؟ چطور شاگرد یک امام و کسی که فقاقت را از وی آموخته است خود مکتبی ضد تشیع را بنا میدهد؟ دلیل اصلی آن میتواند این باشد که در حقیقت در آن زمان از امامت و تشیع خبری نبوده است و امام صادق خود همچون ابوحنیفه یک سنی بوده است، چرا که فرضیه امامت و تشیع ساخته و پرداخته دکانداران دینی است و این اشخاص (امامان) خود نیز خبر از آنکه بعداً امام خوانده خواهند شد و پلایی که سیاستمداران شیعه قرار است سر تاریخ اسلام و ماهیت تاریخی آنان بیآورند نداشتند. اهل تسنن ادعا میکنند که امام صادق نه قبر کسی را میپرستیده است، نه روز عاشورا و تاسوعا توی سر و کله خود میزده است، نه با دستهای آویخته نماز میخوانده است، نه موقع اذان از عبارت "علی ولی الله" استفاده میکرده است، و نه اهل صیقه و تقیه و لعنت فرستادن بر خلفا و این مسائل بوده است، و الا حد اقل شاگردان ایشان که تخصص در فقه و مسائل دینی را داشتند نیز شیعه میشدند و از او پیروی میکردند. جالب است که نه تنها حنیفه بلکه افراد دیگری نیز که مکاتب فکری اهل تسنن را بنا نهادند یا بطور مستقیم، یا بطور غیر مستقیم شاگرد امام صادق بوده اند. از میان این افراد میتوان انس بن مالک، احمد حنبل و شافعی را نام برد.

البته انسانیت امام صادق و میزان انصاف وی در کنار دانش او شایسته اهمیت است، بویژه داستان زیر نوع رفتار ایشان و شخصیت ایشان را به خوبی نشان میدهد.

منتهی الآمال، شیخ عباس قمی صفحه ۷۱۸

"قطب راوندی و ابن شهر آشوب از هشام بن الحکم روایت کرده اند که مردی از ملوک جبل از دوستان حضرت صادق (ع) بود و هر سال بجهت ملاقات آنجناب به حج میرفت و چون به مدینه میآمد حضرت او را منزل میداد و او از کثرت محبت و اراداتی که بآنجناب داشت طول میداد مکث خود را در خدمت آن حضرت تا یک نوبت که مدینه آمد پس از آنکه از خدمت آن جناب مرخص شده بعزم حج خواست حرکت کند ده هزار درهم بآن حضرت داد تا برای او خانه ای بخرد که هرگاه مدینه بیاید مزاحم آن جناب نشود و آمنبلغرا تسلیم آن حضرت نمود و بجانب حج رفت چون از حج مراجعت کرد و خدمت آن جناب شرفیاب شد عرض کرد برای من خانه خریدید فرمود بلی و کاغذی باو مرحمت فرمود و گفت این قبالة آنخانه است، آن مرد چون آنقباله را خواند دید نوشته اند

بسم الله الرحمن الرحيم این قبالة خانه ایست که جعفر بن محمد خریده از برای فلان بن فلان جبلی و آن خانه واقعست در فردوس برین محدود بحدود اربعه: حد اول بخانه رسولخدا (ص) حد دوم امیر المومنین (ع) حد سوم حسن بن علی (ع) حد چهارم حسین بن علی (ع). چون آن مرد نوشته را خواند عرض کرد فدایت شوم راضی هستم باینخانه فرمود که من پول خانه را پخش کردم در فرزندان حسن و حسین (ع) و امیدوارم که حق تعالی از تو قبول فرموده باشد و عوض در بهشت بتو عطا فرماید آنمرد آن قباله را بگرفت و با خود داشت تا گاهییکه ایام عمرش منقضی شد و علت موت او را دریافت پس جمیع اهل و عیال خود را در وقت وفات جمع کرد و ایشان را قسم داد و وصیت کرد که چون من مردم این نوشته را در قبر بگذارید ایشان نیز چنین کردند روز دیگر که سر قبرش رفتند همان نوشته را یافتند که در روی قبر است و بر آن نوشته شده است که بخدا سوگند جعفر بن محمد علیهما السلام وفا کرد بدانچه برای من گفته و نوشته بود."

و اینگونه حضرت امام صادق ده هزار درهمی را که آنمرد ساده لوح و مومن فرومایه به ایشان داده بود تا برایش خانه ای در مدینه بخرد را بالا کشیدند و ملاخور (یا امامخور) کردند. چه جای تعجبی دارد که رهروان راستین مکتب آن جناب همچون عمامه به سرهای فیضیه و امثالهم امروز دزد و تبهکار از آب در بیایند؟ شاید بتوان امتیاز ابتکار فروش زمین بهشت در دوران انگیزاسیون قرون وسطای اروپا را برای امام صادق که بنیانگذار این روش است، ثبت کرد.

شایسته است برای درک بهتر میزان دانش امام صادق، به بررسی چند نظرات ایشان در احادیثی که علامه مجلسی در حلیه المتقین نوشته است بپردازیم.

#### حلیه المتقین باب دوازدهم صفحه ۳۲۸

در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که مخورید هدهد را و دست اطفال مدهید که بازی کنند که تسبیح خدا میگوید، تسبیحش این است که لعن الله مبغضی آل محمد علیهم السلام، یعنی خدا لعنت کند دشمنان آل محمد را.

این حدیث به عالم بشریت هشدار میدهد که مبادا هدهد را بخورند، زیرا این حیوان دائم در حال لعنت فرستادن بر دشمنان اهل بیت (صهیونیست ها و کمونیست ها و لیبرالها و خداناباوران و اهل تسنن و حقوق بشریها و...) است و البته این گفته با یافته های علمی نیز کاملاً همخوان است. جانورشناسان معتقدند هدهد همواره صدایی از جنس قد قد و متمایل به قارقار تولید میکند که ترجمه همان عباراتی است که امام صادق این جانورشناس بزرگ اعلام کرده اند. جالب است که این حدیث، بعنوان حدیث معتبر طبقه بندی شده است! یعنی این حدیث بالاترین میزان اعتبار را از لحاظ مکتب شیعه دارا است.

#### حلیه المتقین باب نهم صفحه ۲۳۰

از حضرت صادق منقول است که هرگاه از عقرب ترسی، نظر کن در شب به ستاره ها که نزدیک ستاره دویم بنات النعش است، و سه مرتبه بگو: اللهم یا رب اسلم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم، و سلمنا من شر کل ذی شر. راوی گفت تا حال یک شب نخواندم، عقرب در آن شب مرا گزید.

البته این توصیه مربوط به عقربهای عربستان است که با زبان عربی آشنا هستند، و در مورد سایر عقبرها کارساز نیست. تحقیقات علمی نشان میدهند که عقربها در مرتبه اولی که این ذکر خوانده میشود از حرکت باز می ایستند و در مرتبه دوم چنگهای خود را به سبک قنوت بالا میبرند و در مرتبه سوم میگویند الهی آمین. این ها همه نشانه هایی است برای کسانی که عناد و دشمنی ندارند و همه دانشمندان دنیا از سنی و لامذهب گرفته تا لیبرال و انسانگرا از میزان خرد و دانشی که در اینگونه احادیث است انگشت تحیر به دهان میگزیند. معلوم نبود اگر امام صادق بشریت را از این خطر و نحوه رهایی از آن آگاه نمیکردند تا بحال چند میلیون نفر از نیش عقبر جانانشان را از دست میدادند.

#### حلیه المتقین باب نهم صفحه ۲۲۵

در حدیث دیگر از امام صادق منقول است که هرکه را ورمی یا جراحی به هم رسد کاردی را بگیرد و بر آن موضع بمالد و بگوید: بسم الله ارقیک من الحدو الحدید، و من اثر المعود و الحجر المبلود من العرق الفاتر، و من لوازم الاجر من الطعام و عقره و من الشراب و برده، امضی الیک باذن الله الی اجل مسمی فی الارض و الانعام، بسم الله فتحت، و بسم الله ختمت، پس آن کارد را در زمین فرو برود.

این حدیث نیز از دانش سرشار امام صادق در پزشکی خبر میدهد که ایشان تا چه حد به مسائل پزشکی آشنا بوده اند، البته این قضیه فرو کردن کارد در زمین هنوز بر بشر نادان، پوشیده است، ولی حتماً حکمتی در کار است. البته آشکار است که امام بیشتر به دعانویسی که شغل شریف رمالها و مهره اندازها است علاقه داشته اند.

#### حلیه المتقین باب پنجم صفحه ۱۳۵

منقول است که شانه نمودن فقر را برطرف میکند، دردها را میبرد.

این از احادیثی است که ما از درک رابطه آن عاجز هستیم، اما انشاءالله علوم ضعیف بشری در آینده به راز آن پی خواهد برد. چون همه حرفهای امام صادق کاملاً درست است شایسته است که انسان احتیاط کند و قبول کند که شانه کردن واقعا هم در عرصه اقتصاد بسیار سودمند است هم در از بین بردن دردها.

حضرت صادق دیدند که مادر اسحق فرزند خود را شیر میدهد، فرمود که ای مادر اسحق! از یک پستان شیر مده، از هردو پستان شیر بده که یکی به عوض طعام است و یکی به عوض آب و فرمود که هرچه کمتر از بیست و یک ماه شیر میدهد به فرزند، ظلم است به طفل.

حضرت امام صادق همچون پیامبر بزرگ اسلام بسیار علاقه مند به زنان بوده اند، و از امتیاز اسلامی تعدد زوجات استفاده میکردند، احتمالاً قصد داشته اند پستان مادر اسحق را ببینند، و اینرا بهانه کرده اند تا وقتی که مادر اسحق پستان را عوض میکند، به زیارت پستان مبارک نائل شوند. البته این تنها حدس نویسنده است، ممکن است واقعا بین مفاد پستانها تفاوت هایی از لحاظ کیفیت وجود داشته باشد که عالمان دانند.

حلیه المتقین باب چهارم صفحه ۹۹

در حدیث حسن از حضرت صادق منقول است که چون در شب زفاف به نزد عروس بروی، موی پیشانی را بگیر و رو به قبله آور و بگو: اللهم بامانتک اخذتها و بکلماتک استحللتها، فان قضیت لی منها ولدأ فاجعله مبارکاً تقیاً من شیعه آل محمد، ولا تجعل للشیطان فیه شراً ولا نصیباً.

به هرحال از علم لدنی و رابطه الهی و دانش فراوان امام هم که بگذریم، ایشان تجربه زیادی در اینگونه مسائل داشته اند، حضرت حد اقل چندین شب زفاف را پشت سر هم گذاشته اند و نتیجه آنهمه کوشش ها این چند خط است که به بشریت تقدیم کرده اند. لذا شرط احتیاط آن است که زلف عروس را واقعا گرفته چنین اسلامیاتی را بیان کنیم.

حلیه المتقین باب چهارم صفحه ۹۳

از حضرت صادق منقول است که نباید مرد را دخول نمودن به زن خود در شب چهارشنبه.

دلیل این حدیث شریف احتمالاً این است که مردان مسلمان بتوانند شب چهارشنبه را زودتر بخوابند و فردا زودتر سر کار بروند. متأسفانه امروزه بسیاری از آنها به بهانه جمعه پنجشنبه را نیز تعطیل میکنند و دو روز در هفته استراحت میکنند، که این ضربه بزرگی را به اجتماع بشری میزند. این توصیه را میتوان از توصیه های اقتصادی اجتماعی جنسی این امام بزرگوار دانست.

حلیه المتقین باب چهارم صفحه ۹۳

حضرت صادق فرمود که جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که این باعث این میشود که فرزند سقط شود، و نزدیک است که اگر فرزندی به هم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته باشد. نمی بینی کسی را که صرع میگیرد اکثر آن است که یا در اول ماه یا در آخر ماه مییاشد؟

البته باید توجه داشت که منظور حضرت ماه های قمری بوده است نه ماه های شمسی و یا نعوذ بالله میلادی، و چون ماه های قمری همواره در حال حرکت و تغییر هستند و اول ماه امسال در همان روزی در تقویم خورشیدی نیست که سال دیگر و سال گذشته، از کسانی که درد دین دارند و نگران آخرت خود و امت اسلام هستند، انتظار میرود که تقویم هایی را تنظیم کنند تا مومنین بتوانند به این توصیه امام عمل کنند.

احادیث زیر بدون تفسیر و توضیح به عاشقان اهل بیت عصمت و طهارت تقدیم میشود.

حلیه المتقین باب چهارم صفحه ۹۳

از حضرت صادق منقول است که هرکه عقد کند یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند. در روایت دیگر منقول است که هرکه در تحت الشعاع عقد یا زفاف کند بداند که فرزندی که منعقد شود پیش از تمام شدن سقط میشود.

حلیه المتقین باب سوم صفحه ۶۱

در حدیث صحیح از حضرت صادق منقول است که نیم خورده مومن شفای هفتاد درد است.

#### حلیه المتقین باب سوم صفحه ۵۹

در خدمت حضرت صادق بودم، دیدم که بعد از طعام می‌گردد و آنچه بر زمین افتاده بر میدارد حتی کنجد و امثال آن را. گفتم فدای تو شوم، اینها را بر هم می‌چینند؟ فرمود که اینها روزی توست، مگذار از برای دیگری، که اینها شفایند از همه دردی.

#### حلیه المتقین باب سوم صفحه ۵۶

به سند حسن از حضرت صادق منقول است که هرگاه مسلمانی خواهد که طعام بخورد، چون لقمه را بردارد بگوید: بسم الله و الحمد لله رب العالمین، پیش از آن که لقمه به دهانش رسد خدای تعالی گناهایش را ببامرزد.

#### حلیه المتقین باب سوم صفحه ۵۴

از حضرت صادق منقول است که چون بعد از طعام دست بشویی؛ به آن تری که در دست هست دیده های خود را مسح کن که این امان است از درد چشم.

#### حلیه المتقین باب دوم صفحه ۳۷

به سند صحیح از حضرت صادق منقول است که سرمه کشیدن در شب چشم را نفع می رساند و در روز زینت است. قابل توجه همجنسگرایان.

#### حلیه المتقین باب دوم صفحه ۳۷

به سند موثق از حضرت صادق منقول است که سرمه کشیدن دهان را شیرین میکند.

#### حلیه المتقین باب اول صفحه ۲۴

از حضرت صادق منقول است که مداومت بر پوشیدن موزه امان میدهد از خوره.

#### حلیه المتقین اول دوم صفحه ۲۳

در حدیث معتبر از حضرت صادق منقول است که موزه پوشیدن نور چشم را زیاد میکند. در روایت دیگر فرمود که مداومت پوشیدن موزه امان میدهد از مرض سل و از مرگ بد.

#### حلیه المتقین اول دوم صفحه ۲۰

به سند معتبر از حضرت صادق منقول است که هرکه جامه نو ببرد و آبی در ظرفی کند و سی و شش مرتبه سوره انا انزلناه فی لیل القدر بخواند؛ هرگاه که به آیه تنزل الملائکه برسد؛ اندکی از آب را نرم به جامه بپاشد؛ پس دو رکعت نماز بکند و دعا کند و بگوید: الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس و اوارى به عورتی و اصلی فیہ لربی؛ و خدارا شکر کند؛ پیوسته در فراخی نعمت باشد که آن جامه کهنه شود.

#### حلیه المتقین اول دوم صفحه ۱۸

در حدیث حسن از حضرت صادق منقول است که هرکه عمامه بپسندد بر سر و تحت الحنک نبندد؛ به او دردی برسد که دوا نداشته باشد؛ پس ملامت نکند مگر خود را.

#### حلیه المتقین اول دوم صفحه ۲۳

در حدیث حسن از حضرت صادق منقول است که به جامه سرخ تیره پوشیدن کراهت دارد مگر برای نوداماد.

حضرت صادق فرمود که جامه آنچه از غوزک پا میگذرد در آتش جهنم است.

از حضرت صادق منقول است که جامه کتان بدن را فربه میکند.

البته تمامی احادیث بالا صحیح نیستند اما وقتی گفته میشود "به سند معتبر منقول است" به این معنی است که امام واقعا چنین اباطیلی را تلاوت فرموده اند و به معنی این است که متخصصین علم حدیث این حدیث را پس از موشکافی های فراوان که به علوم رجال و درایت مربوط میشود تایید کرده اند. این احادیث و باقیمانده ها از امام صادق جایگاه علمی امام صادق را از جایگاه واقعی یک دانشمند و فاضل شایسته احترام به یک دعانویس و انسان خرافاتی نادان و یاوه گو که گویا جایگاه واقعی او نیز هست تقلیل میدهد.

البته انسان خردگرا بدون توجه به اندیشمند به خود اندیشه نگاه میکند، و حتی از یک انسان دیوانه و جاهل نیز ممکن است تفکراتی استخراج شود که تفکرات ارزشمند و صحیحی باشند، لذا هدف نویسنده از نگارش این عبارات این نیست که تمامی تفکرات امام صادق را به دلیل اینکه اکثر تفکرات ایشان یاوه بوده اند باید کنار گذاشت. ممکن است انسان کم خرد و خرافاتی ای مانند امام صادق نیز حرفهای ارزشمندی زده باشد که باید آنها را آموخت و از آنها تقدیر کرد اما باقی اباطیل و اراجیفی که ایشان فرموده اند را به زباله دان انداخت و به امام صادق نیز با همان چشمی نگاه کرد که به امام خمینی و خلخال و مشکینی نگاه میکنیم.

هدف از بیان این مطالب ترور کورکورانه شخصیت امام صادق نیست، هدف بت شکنی و زدودن قداست است از چهره این اشخاص، امام صادق ممکن است از بسیاری از افراد زمان خودش آگاهتر بوده باشد و در مقایسه با بسیاری از حتی آخوندها نیز انسان داناتری باشد، اما از هیچ قداست و جایگاه ویژه فرابشری ای برخوردار نیست و شایسته احترام و ستایش ویژه ای نیست. حتی اگر قرار باشد امام صادق را دانشمند نیز بدانیم، جایگاه واقعی این شخص همانطور که گفته شد بسیار پایین تر از افرادی مثل جابر بن حیان بوده است و در زمینه فقهات و تحقیقات دینی هم اطلاعات ایشان حتی در حد شیخ کلینی و علامه مجلسی و علامه طباطبائی نیز نیست!

اگر دانشمند ترین امامان ایشان است، واقعا باید به حال بقیه ۱۱ امام که قطعاً وجود داشته اند تاسف خورد. شاید چندان بی مورد نباشد که امامان شیعه را نیز همچون پیامبر اسلام امی و بیسواد دانست. ایشان نه مشکلی را از راه بشریت برداشتند نه مفهومی یا اختراعی را تقدیم به تاریخ کردند تا قطار دانش بشری را شتاب بخشیده باشند نه توانستند با گرمی داشتن کثرت گرایی و خردگرایی و ترویج انسانیت و شادی چراغی را در جامعه تاریک اسلامی روشن کنند. تنها خرافه آفرینند و به جهل و خشونت و سنگ مغزی دامن زدند.

توسط آرش بیخدا

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi>